

تقریب در این سال اکتون این دلار از نرسه و امیده ... در افراز واره نام، ای
 ، سال ستانن تقس رست از اکرار آنرا ریاب آدر بیکر تو خاکتم رنده کور ...
 در بیکر نام خود با تو کشیدم سن کور ... حال آنرا ایجا به رنده کشیده اند . دلهای بیکر
 دهانت ... این غمینه زولیده را می شناسید (صریح)
 ... رننامه آخر سن در تری اندی ای ... این سال پر کنده به آسانه
 آسانخی خود گلونه فر اورد ؟ اگر بیکر صباکی می توان از کور بر جان در دروی دارم
 بعبی آسان اهلین بحکامه

« لصد من آسید بود و تونه می نمود در کلر اراش خود بر خارا گتی مق
 ختمه من بر نرسه تمام تو دنیا کان تو آسان شود ، (صریح) بر آمانی
 « صفا کنده است و کور و وردن ، باز ما تو افزمار که زبان بسته و ستم را سیده
 خودن بر کورده « ما تا ک آسان می ستم و تیره فر از مانی بی انجام محاروم
 با ذرات تویم . ما سکلل سارگان را در می تویم . ما دارنده عمداتی مگر قم . آن آل
 ما هم کلین بلوریم »

« ما تا کام سنگین طین ، زورقم به کراته مارنگ نزدیک می آید . کراته ستانن «
 در ایام عمر خود کل قاصدی بودم محبوس و کده بر وید
 ما از جیدل نوضکمانم ، تنها من عملی
 کلینت عمر طاقم ای برهن خود را فرو پیچید . در کف دنیا به هر دورت دکما
 دره ارنف ردنا آرا کجه و کرایه غشاک - معاکر چشمه ستر
 سرفی تلخ گل بر هم ای . (فن کور دیوانه ، ایواج مارنگ
 ایام و وفکیده - کوری ای از بیاموی

دگر لوتی عبار طلال را می بر
 در صان بلند مال مارنگ حرف می گویند . با اینک بر دگر . عطر نین را می بوم
 در کوف گنده خود ، در ای گدار از ناستان کراته آرا را می بوم
 ما و ایس با روز زمان ترا می بوم .
 کشتی بزرگ در قلع ایام بیاید

ما آدمی زارگانم ز درنگان کنماو . بود آن فرزند ما فدیگی یا مان تہ
خو مرا بہ صندوقہ کر مندی نہ از ترسکی یا عذر و عمار خود برای کاری
زیاد بہ ہزار و خود آسمان ما ما شدہ اصل یا عذر و عمار خود برای کاری
در زنگ خود قول در ارضی بنا و فریاد نام .

از کتاب - حکیمہ یا آئینہ اعلان علی

